

## شکل گیری زبان

بشر، حرف زدن را با لال بازی شروع کرد!

1-2 احتمال اینکه زمانی زبانی واحد و مشترک میان آدمیان بوده است وجود ندارد.

از زبان مردم دوران پارینه سنگی هیچ آگاهی نداریم. حتی نمی دانیم که آیا مردم آن دوران، آزادانه با زبان، بیان مقصود می کرده اند یا نه؟ از نقاشیهای مردم پارینه سنگی بر ما آشکار شده که این مردم سخت به شکلها و حرکات توجه داشتند و چنین

پنداشته اند که ایشان بیشتر با حرکات دست و صورت و دیگر اندامهای آنچه

می خواستند بیان می کرده اند. شاید کلماتی که مردم کهن به کار می بردند بیشتر

فریاد هراس و شهوت و هیجان و نام و چیزهای محسوس بوده و در بسیاری از مواد

شاید این صداها تقلیدی بوده از صدای آن چیزها یا صداهایی که به آن چیزها بستگی

داده شده بود. سرآرتور اوانس (Sir Arthur Evans) می گوید که زبان علامتی در

آمریکا زودتر از سخن گفتن پدید آمده است. از آن رو که زبان علامتی در میان همه ی

سرخ پوستان آمریکای شمالی یکسان و زبان آوایی گوناگون است. نخستین زبانها شاید

مجموعه ای بودند از کلمات شگفتی و هراس انگیز و شهوی و هیجانی و نام چیزها. شاید

نامهای واحد را با فشارها و قطع و وصلهای صوتی برای رساندن مفهومیهای گوناگون ادا می کردند. مثلاً مردم پارینه سنگی واژه‌ای برای «اسب» یا «خرس» داشتند. آن گاه با

فشارها و ژست‌ها می‌رسانند که «خرس» می‌رود یا «خرس» را باید شکار کرد یا «خرس مرده» یا «خرس اینجا بود» یا «خرس این کار را کرد» و مانند اینها .

زبانهای کهن خیلی کم، واژه داشتند

2-2- با گذشتن زمانهای دراز آدمیان روش بیان عمل و رابطه‌ی میان مفاهیم مختلف

را ساختند. زبانهای امروزی هزارها واژه دارد، اما کهن‌ترین زبانها تنها چند صد واژه

داشتند. گفته شده است که روستاییان امروز تنها با یک هزار واژه یا چیزی کم‌تر بیان

مقصود می‌کنند و سخن می‌گویند و به خوبی می‌توان پذیرفت که حتی مردم آغاز

نوسنگی مجموعه‌ی لغاتی بس محدود و انگشت شمار داشتند. شاید مردم آن روزگار با

هم به بحث و مکالمه و توصیف چیزها نمی‌پرداختند. برای نقل حوادث دست به پای

کوبی و ادا در آوردن می‌زدند. نیروی شمارش ایشان نیز بسیار محدود بود .

دستورگر زبان چقدر پیشینه دارد؟

2-3- پیشرفت سخن گفتن نخست بسیار آهسته بود و ضوابط دستور زبان و بیان

اندیشه‌های ژرف شاید بسیار دیر پدیدار شده باشد، مثلاً شاید در زمان ۴۰۰ یا

روستاییان امروز تنها با

یک هزار واژه یا چیزی

کمتر بیان مقصود

می‌کنند و سخن

می‌گویند و به خوبی

می‌توان پذیرفت که حتی

مردم آغاز نوسنگی

مجموعه‌ی لغاتی بس

محدود و انگشت شمار

داشتند. شاید مردم آن

روزگار با هم به بحث و

مکالمه و توصیف چیزها

نمی‌پرداختند.

500 نسل پیش .

زبانهای آریایی

-4-2 زبان‌شناسان می‌گویند که نتوانسته‌اند با قاطعیت صفات مشترکی در میان

همه‌ی زبانهای آدَمیان بیابند . در سرزمینهای پهناوری گروههایی از زبانها یافته‌اند که

ریشه‌ی واژه‌های آنها یکی است و روش بیان مقصود و اندیشه در میان آنها یکسان

است، اما در جاهای دیگر زبانهایی یافته‌اند که میان آنها حتی در ساختمان اساسی آنها

سازگاری نیست و در میان عمل و روابط یکسان نیستند و ضوابط دستوری آنها هم

کاملاً با یکدیگر متفاوت است .

مردمانی با اندیشه و زبان

-5-2 یک گروه بزرگ زبانهایی که تقریباً در سراسر اروپا تا هند رواج دارند مشتملند

بر انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و اسپانیایی و ایتالیایی و یونانی و روسی و فارسی و زبانهای گوناگون هندی، این زبانها را هند و اروپایی یا آریایی خوانند، ریشه‌های اصلی و

ضوابط دستوری یکسانی در آنها می‌توان یافت. مثلاً واژه‌ی Mother و Father

انگلیسی را Vater و Mutter آلمانی و Pater و Mater لاتین و Pater و

Mater یونانی و Pater و Mair و Hair فرانسوی و Pitar و

Matar سانسکریت و مانند آنها بسنجید. بر همین اساس واژه‌های زبانهای آریایی با

قاعده‌ی خاصی از یکدیگر متفاوت می‌شوند. مثلاً F در زبانهای ژرمانیک در لاتین P

است و از قانونی پیروی می‌کنند که به نام قانون گریم معروف است. این زبانها چیزهای

گوناگونی نیستند، بلکه از ریشه‌های واحدی گوناگونی پدید آمده و زبانهای مختلف

شده است و مردمی که به این زبانها سخن می‌گویند روش اندیشه‌ای یکسان دارند .

زبان آریایی در ۸۰۰۰ سال پیش شکل گرفت

2-6- زمانی در گذشته‌ی دور در عصر نوسنگی مثلاً ۸۰۰۰ سال پیش یا بیشتر شاید

یک زبان واحد اصلی بود، که همه‌ی این زبانهای آریایی از آن برآمده‌اند. در جایی در

میان اروپای میانه و آسیای غربی شاید مردمی از قبایل مختلف سرگردان بودند و با هم

آن چنان در آمیخته بودند که یک زبان در میانشان به کار برده می شد. برای آسانی

سخن بهتر است ایشان را آریایی بنامیم. سرجانستون ایشان را «آریاییان روسی»

نامیده است. ایشان بیشتر به نژادهای گروه سفید و مو بور و آبی چشم و پاره‌ی فرعی

مردم شمال یا نژاد نوردیک بستگی دارند .

هم زبانها لزوماً هم نژاد نبوده‌اند

-7-2 در اینجا باید هشدار داده شود. زمانی زبان شناسانی زبانها و نژادها را با هم در

می آمیختند و چنین می پنداشتند که همه‌ی مردمی که به یک زبان سخن می گویند

هم نژاد می داند که این سخن درست نیست و زنگیان آمریکایی به انگلیسی سخن

می گویند و یا ایرلندیها جز برای نمایشهای سیاسی به زبان ایرلندی سخن نمی گویند و

مردم کورن که زبان سلتی اصلی خود را فراموش کرده‌اند به زبانهای دیگری سخن

می گفته‌اند. اما آنچه از یک زبان مشترک می توان دریافت همانا در آمیختگی است که

میان مردمی بوده و امکان در آمیختگی اگر به اصلی مشترک رهبری نکند دست کم

آینده‌ی مشترک

این مردم را نشان می دهد. اما حتی این زبان اصلی آریایی که زبانی بوده که در ۶۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال پیش بدان سخن گفته می شد زبانی بدوی یا زبان مردمی وحشی نبوده است. کهن ترین کسانی که به این زبان سخن می گفته اند یا در مرحله ی تمدن نوسنگی بودند یا از آن در گذشته بودند. این زبانها ضوابط دستوری و اصول صرف فعل و بعضی پیچیدگیهای خاص داشته اند، مثلاً روشهای به فراموشی سپرده ی میان مردم دورانهای اخیر پارینه سنگی شاید ناپخته تر از ابتدایی ترین شکل آریایی بوده است. شاید گروه زبانهای آریایی در ناحیه ی پهناوری میان رودهای عمده ی دانوب و دنیپر و دون و ولگا که از شرق به کوههای اورال و شمال دریای خزر می رسید رواج داشته است. ناحیه ای که در آن آریایی زبانان در گردش بودند شاید تا مدت های درازی به اقیانوس اطلس و به جنوب دریای سیاه و آسیای صغیر نرسیده باشد. در آن هنگام اروپا و آسیا در بسفر به هم پیوسته بودند و این تنگه ی آبی در میان نبود، دانوب به سوی مشرق می رفت و به دریایی می ریخت که تا نواحی ولگا در جنوب شرقی روسیه و ترکستان می رسید و دریا های سیاه و خزر و آرال امروزی را در برمی گرفت و حتی خلیجی هایی از آن به سوی دریای منجمد شمالی نیز کشیده می شد. این دریا می بایستی سدی بس شگرف بوده باشد در میان آریایی زبانان و مردم شمال شرق آسیا .

در جنوب این دریا کرانه‌ای از بالکان تا افغانستان پیوسته بود و در شمال غربی این دریا ناحیه‌ای بود پر مرداب و پر باطلاق که به بالتیک می‌رسید .

### زبانهای سامی کاملاً جدا از زبانهای آریایی اند

2-8- زبان شناسانی به گروه زبانهای دیگری که گویا کاملاً جدا از زبانهای آریایی پدیدار شده باشند قائلند به نام زبانهای سامی. عبری و عربی با هم خویشی دارند و

چنین می‌نماید که اینها از ریشه‌ی یک رشته واژه‌های دیگری جدا از زبانهای آریایی مشتق شده‌اند. روابط و اصول دستوری آنها نیز با زبانهای آریایی متفاوت است و به

احتمال قوی این زبانها در میان جامعه‌هایی پدیدار شده‌اند که با آریاییان هیچ پیوستگی و سر و کار نداشته‌اند .

عبری و عربی و حبشی و آسوری باستان و فینیقی باستان و گروهی دیگر از زبانهای وابسته به اینها را ریشه گرفته از زبانی اصلی می‌دانند به نام زبان ساسی. در آغاز دوران

تاریخ نوشته شده یعنی ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد و پیش از آن گواه بستگی‌هایی میان

آریاییان و سامیان از جنگ و دادوستد در کرانه‌های شرقی مدیترانه هستیم اما پیش از

این زمان بایستی هزارها سال جدایی کامل میان این دو مردم بوده باشد. سامیان گویا

در جنوب عربستان یا دریا شمال شرقی آفریقا می زیسته‌اند، در آغاز دوران نوسنگی

مردم اصلی سامی و آریاییان اصلی شاید کاملاً جدا از هم می زیستند .

زبانهای حامی؛ همسایه زبانهای سامی

2-9- زبان شناسانی با اختلاف کلمه از زبانهای گروه سومی نیز سخن می گویند به نام

گروه حامی که بعضی آنها را جدا از زبانهای سامی

گروه زبانهای حامی

بی گمان دامنه‌ای

پهناتر و پرشمارتر از

زبانهای سامی و آریایی

دارند و زبانهای سامی

پیوستگی و همانندی

بیشتری از زبانهای

آریایی دارند. زبانهای

سامی شاید همچنان که

مرغان از یک گروه خاص

مهره‌داران برخاسته‌اند از

زبانهای بسیار کهن حامی

سرچشمه گرفته باشند

می‌دانند و برخی پیوسته‌ی به آن. اکنون بیشتر برآنند که در روزگارهای بسیار کهن میان این دو گروه پیوستگی بوده است. گروه زبانهای حامی بی‌گمان دامنه‌ای پهناورتر و

پرشماتر از زبانهای سامی و آریایی دارند و زبانهای سامی پیوستگی و همانندی

بیشتری از زبانهای آریایی دارند. زبانهای سامی شاید همچنان که مرغان از یک گروه

خاص مهره‌داران برخاسته‌اند از زبانهای بسیار کهن حامی سرچشمه گرفته باشند و نیز

چه بسا که زبانهای آریایی نیز همچنان که پستانداران از گروهی دیگر از مهره‌داران

برخاسته‌اند از گروه خاص از زبانهای حامی سرگرفته باشند. این فرضیه بسیار دلفریب

است، اما هیچ پایه‌ی پذیرفتنی و مستدلی برای این امر در دست نیست که زبانهای

آریایی از زبانهای حامی بسیار کهن و زبانهای سامی از زبانهای حامی در زمانی اخیرتر

مشتق شده باشند .

حامی زبانان امروز مانند سامی زبانان بیشتر از نژاد مدیترانه‌ای هستند. از زبانهای حامی

زبان مصریان قدیم و قبطیان و زبانهای بربرها (مردم کوهستانهای شمال آفریقا و

توآرگهای نقابدار و گروهی از این مردم) و آنچه به نام گروه زبانهای اتیوپی آفریقایی در

شرق آفریقا است گالاها . سومالیان را باید نام برد. این زبانها شاید از یک مرکز در

کرانه‌های آفریقایی مدیترانه سرچشمه گرفته باشد و از راههای خشکی موجود در آن

زمان گسترش یافته و تا اروپای غربی رفته باشد .

### صفت مشترک سه گروه زبان: آریایی، سامی و حامی

10-2 همه‌ی این سه گروه بزرگ زبان چه آریایی و چه حامی دارای یک صفت

مشترک هستند که در زبانهای دیگر یافته نمی‌شود و آن جنسیت است از لحاظ قواعد

دستوری، اما اینکه این صفت می‌تواند دلیل بر آن باشد که این سه گروه از یک ریشه

برخاسته‌اند یا نه موضوعی است که بیشتر مربوط می‌شود به زبان شناسی تا

دانش پژوهی که می‌خواهد کلیاتی از تاریخ را بررسی کرده باشد و در این حقیقت روشن  
یعنی جدا بودن مردمی که به این زبانها سخن می‌گویند از زمانهای بسیار دور پیش از  
تاریخ اثری نمی‌کند .

نژادهای سامی و نوردیک دارای مشخصات ظاهری بسیار آشکاری هستند و چنین  
می‌نماید که ایشان مانند زبانهایشان دارای خصایص و برجسته‌تر و خاص‌تری از مردم  
حامی زبان باشند .

### زبانهای اورال - آلتایی

-11-2 در سراسر نواحی مسکون آریاییان و سامیان بایستی زمانی گروه زبانی مشخص  
رایج شده باشد که امروزه به نام گروه زبانهای تورانی یا اورال - آلتایی خوانده می‌شود.  
این گروه شامل زبانهای لاپی در لاپلند و سامویی سبیری و فنلاندی و مجاری و ترکی  
و تاتاری و منچویی و مغولی است. اما از آنجا که زبان شناسانی اروپایی هنوز بررسی  
کاملی رد این زبانها نکرده‌اند، شواهد کافی در دست نیست که زبانهای کره‌ای و ژاپونی  
هم از این گروهند یا نه. حال برت مقایسه‌ای از لحاظ دستوری از زبانهای کره‌ای و  
بعضی زبانهای دراویدی هندوستان کرده

ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از

چینی به انگلیسی

ممکن نمی‌شود. زیرا که

اصلاً اندیشه در این دو

زبان متفاوت است و

فلسفه‌ی چینی از این‌رو

است که برای اروپاییان

مفهوم نیست و فلسفه‌ی

اروپا هم برای چینیان،

چون ماهیت شیوه‌ی

اندیشیدن و چگونگی

بیان موضوع با هم تفاوت

کلی دارد.

و نشان داده است که میان این زبانها همانندیهای بسیار نزدیک وجود دارد .

### زبانهای چینی

12-2 گروه پنجم زبانها در ناحیه‌ی جنوب شرقی پدید آمده و هنوز هم در آنجا رواج

دارد. این زبانها یک هجایی هستند بی‌تصريف و اشتقاق. تنها آهنگ صدا و فشار معنی

کلمه را معین می‌کند. این را می‌توان گروه چینی یا یک هجایی خواند و مشتمل است

بر چینی و برمه‌ای و سیامی و تبتی . تفاوت میان زبانهای چینی و زبانهای مغرب آن

بسیار فراوان است. در زبان پکنی چینی تنها ۴۲۰ یک هجایی هست، پس هر یک از

آنها بار سنگینی دارند و برای چیزهایی مختلف به کار می‌روند و مفهومیهای گوناگون یا

با فحوای کلام و مضمون معلوم می‌شود یا با نحوه‌ی ادای آن . رابطه‌ی این کلمات با

یکدیگر بر اساسی است کاملاً جدا از روش معمول در زبانهای آریایی. دستور زبان چینی

چیزی است جدا از دستور زبان انگلیسی . بسیاری از نویسندگان چینی می‌اندیشند که

زبان چینی دستور ندارد و باید گفت که اگر نظر به یکسانی و مقایسه باشد درست

است. پس ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از چینی به انگلیسی ممکن نمی‌شود. زیرا که اصلاً

اندیشه در این دو زبان متفاوت است و فلسفه‌ی چینی از این‌رو است که برای اروپاییان

مفهوم نیست و فلسفه‌ی اروپا هم برای چینیان، چون ماهیت شیوه‌ی اندیشیدن و چگونگی بیان موضوع با هم تفاوت کلی دارد. برای روشن شدن این امر مثالی می‌آوریم. چهار علامت چینی که به مفهوم «امور و پرستش و واجب و کهن» است، اگر پشت سر هم گذاشته شود، «چرا باید به راههای کهن رفت؟» معنی می‌دهد. پس یک چینی تنها به دادن لب مفاهیم اکتفا می‌کند. در صورتی که یک انگلیسی همان مفهوم را با بیانی آشکارتر و بی‌پرده‌تر می‌گوید. چه بسا که آن انگلیسی درباره‌ی کهنه‌پرستی در آشپزی و یا صحافی سخن بگوید و این عبارت «چرا باید به راههای کهن رفت» را به کار برد. آقای آرتور ویلی در مقاله‌ای که درباره‌ی روش اندیشه و سخن سرایی چینی در آغاز کتاب «۱۷۰ شعر چینی» نوشته است چگونگی محدود نگاه داشته شدن فکر چینی به کلمات ضروری و پرهیز از آوردن روابط را توجیه کرده است.

### گروههای زبانهای دیگر

2-13- گذشته از این گروهها زبان شناسان گروههای دیگری را نیز مشخص کرده‌اند.

همه‌ی زبانهای سرخ‌پوستان آمریکا که تفاوتهای بسیاری با یکدیگر دارند از زبانهای جهان کهن کاملاً مجزا هستند. در اینجا اینها را در یک دسته می‌گذاریم نه از جهت

اینکه وابسته به یک خانواده هستند، بلکه از لحاظ جدا کردن آنها از دیگر زبانها .

یک گروه بزرگ دیگر زبان در آفریقا است که از اندکی از بالاتر از استوا تا جنوبی ترین

بخش آفریقا رواج دارد، از بانتو گرفته تا زبانهای دیگری در مرکز آفریقا که در اینجا به

شرح آنها نمی پردازیم .

همچنین شاید دو گروه زبان جدا از هم نیز باشد یکی دراویدی در جنوب هند و

دیگری مالایایی - پولینزی که در جزایر پولینزی که اکنون بعضی از آنها جزو زبانهای

هندی نیز به شمار می آید .

<http://www.iptra.ir>